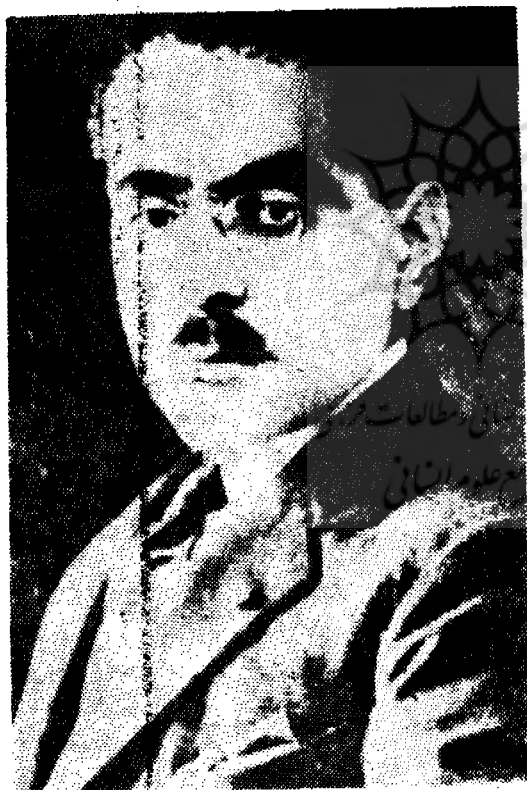


الیکارشی یا

خاندانهای حکومتگرایان

- ۵ -

خاندان فیروز



نصرت الدوله
(فیروز میرزا
فیروز)

فرزند نخست فرمانفرما
وعزت الدوله قاجار ،
فیروز میرزا فیروز است
که بعداً بسبب یافتن لقب
نصرت الدوله بیشتر با این
نام معروف می گردد .
جرج چرچیل تولد او را
در ژانویه ۱۸۸۵ م ، مطابق
(۱۲۷۶ خ .) می نویسد ،
ظاهراً این تاریخ نباید
درست باشد (۱) .

وی بهنگام سفر اجباری پدر زمان صدارت امین الساطان (۱۳۱۵ ق. ۵) از فارس به عراق می‌رود و در بیروت به تحصیل می‌پردازد. ولی اندکی بعد آموزش خود را ناتمام می‌گذارد با تغییر روش حکومت به ایران بازمی‌گردد. ابتدا دستیار پدر در حکمرانی کرمان می‌شود و همین که فرمانفرما در نخست کابینه مشروطه طلبان وزیر عدلیه! می‌گردد نصرت الدوله نیز گویا برای اجرای اصول عدالت! مشروطه و نمایندگی پدر حکمران کرمان می‌شود.

وی با اینکه می‌دانست پدر مطرودش با نیروی مخالفان اتابک و بایاری مشروطه خواهان بقدرت رسیده و خود نیز باعتبار پدر حکمران شده است بی‌مها با بجننگ مردم آزاده کرمان می‌رود.

گماشتگان او با کینه و بیرحمی اعلام می‌دارند اسم مجلس مقدس را هر کس بر زبان برد زبان او را می‌برم و یکصد تومان جریمه می‌گیرم (۱).

بموازات این خفقان او شیوه غارت دیرین خاندان خود را در کرمان پیش می‌گیرد. پست‌ها و مشاغل را بفروش و مزایده می‌گذارد و به بیدادگری و ستمکاری می‌پردازد. بطوریکه درباره او و بیدادگری او می‌نویسند:

و این ظلم و تعدی که در کرمان است گمان ندارم در هیچ نقطه از بلاد

عالم باشد (۲)

همین که چند ماه از حکمرانی او می‌گذرد تصمیم می‌گیرد بکلی صدای آزادی را در کرمان خاموش کند ازینرو به توقیف و تبعید مردان و جوانان آزاد فکر و مبارز مانند (ناظم‌التجار) می‌پردازد.

مردم علیه آزادی کشتی حضرت والا با اعتراض و تظاهر می‌پردازند. با نظم و ترتیب بطرف محل فرمانروائی فیروز میرزا راه می‌افتند.

این کارها چه معنی دارد، صدای آنها را ببرید، اجتماع مردم را پراکنده سازید. آتش گلوله بسوی انبوه مردم روزه‌دار باز می‌شود، گروهی مقتول و مجروح می‌گردند (۳).

حقوق مردم را بکنار می‌گذارد برای اینکه پسر رئیس قوه قضائیه مشروطه و وزارت دادباید باین بیدادها برسد، عدالت فیروز جز این نمی‌تواند باشد.

ولی مردم آزادیخواه که علیه استبداد قیام کرده بود تسلیم این بیدادگریها و زور گوییها و جنایات نمی‌شوند. کرمان و تهران بشدت علیه جنایات نصرت الدوله دست بکار میشوند.

روزنامه صور اسرافیل ارکان آزادگان ایران که بیرحمانه باهر زور گویی و خود کامگی می‌جنگید، مبارزه پی‌گیر و کوبنده خود را علیه نصرت الدوله آغاز می‌کند.

۱- صور اسرافیل شماره ۳-۲- صور اسرافیل شماره ۶-۳- صور اسرافیل شماره ۱۶

دهخدا جوان رزمنده و آزادیخواه آنروز به جانبداری از حقوق مردم کرمان پیامیخیزد، حکمران جوان با فرستادن قالیچه و هدایا میکوشد صور اسرافیل را خریداری وساکت کند ولی به نتیجه نمیرسد (۱).

سرانجام فیروز میرزا از حکمرانی برکنار میشود مورد تعقیب قرار میگردد ولی نصرت الدوله باین آسانی از کرمان دست بردار نبود از همان مردمی که به گلوله بسته بود میخواهد بسود او تظاهر کنند، ابقای او را از تهران طلب نمایند.

چاقو کشان دولتی مأموران حکومتی و حتی زنان آنان در کوچه و بازار راه میافتنند بقول صور اسرافیل مردم را (بزور کشان کشان به تلگرافخانه میبردند که رضایت از حکومت کنند). (۲)

شمار آنان در این تظاهر و تحصن این بود (واغریب الغریب، میرود حاکم ما) فرمانفرما کسی نبود مردم کرمان را آزاد گذارد و دست از این چراگاه بردارد بجای نصرت الدوله (سردار معتضد نوکر شخصی و وابسته او (۳) تعیین میشود.

با پیشبرد آزادیخواهان و فرار محمدعلیشاه در همه جا موج نفرت و انزجار مردم علیه نصرت الدوله بالا میگردد، از مجلس میخواهند قاتل مردم کرمان کیفر ببینند.

نصرت الدوله در ردیف مستبدان پرسابقه و معروف نظیر حاج آقا محسن و قوام الملک . . . قرار گرفته بود (۴).

بنابراین بیم گزند بوجود او میرفت از اینرو فرمانفرما پسرش را به اروپا میفرستد تا هم از حلقه خطر برهد و هم تحصیلات خود را دنبال کند باین امتیازی جدید به ایران باز گردد.

نصرت الدوله پس از پایان تحصیلات در سال ۱۳۳۰ ق، به ایران باز میگردد پس از چند ماهی بمعاونت وزارت عدلیه گمارده میشود. انتصاب قهرمان فاجعه کرمان سبب اعتراضات و حملات سخت در مجلس و مطبوعات بدولت می-

۱- شرح زندگانی من جلد ۳ صفحه ۳۹۱

۲- صور اسرافیل شماره ۱۳

۳- صور اسرافیل شماره ۱۶

۴- تاریخ مجلس ایران صفحه های ۸ و ۹

شود ، ولی فرمانفرما بكمك اليكاشی ایران مخالفان را آرام و مقام پسر را استوار میسازد و سپس وی در کابینه های زیر ب مشاغل مهم میرسد :

در کابینه وثوق الدوله بسال ۱۳۳۴ ق . (۱۹۱۶ م .)	وزیر عدلیه
۱۳۳۶	۱۹۱۸ م .
۱۳۳۶	وزیر خارجه
۱۳۳۶	۱۹۱۹ م .
۱۳۴۳	۱۹۲۴ م .
۱۳۴۳	وزیر عدلیه
۱۳۰۵ ش	۱۹۲۷ م .
۱۳۰۵ ش	وزیر مالیه
۱۳۰۷ ش	۱۲۹۸ م .
۱۳۰۷ ش	وزیر مالیه

در ادوار تقنینیه سوم و چهارم بنمایندگی مجلس تعیین میشود .

در سال ۱۳۲۴ ه . ق . مدت کوتاهی به استانداری فارس میرسد .

اما همینکه گروهی از مردان با ایمان و مبارزان نهضت مشروطیت دیدند ثمره فداکاری و جانپازی ایرانیان نصیب مشتی عمال دیرین استبداد و فوکران استعمار شده است نتوانستند شاهد زوال آزادی گردند .

بقول میروشینکف در ماه مارس ۱۹۱۷ گروهی از سیاستمداران يك سازمان انقلابی مخفی بنام (کمیته مجازات) تشکیل دادند (۱) و به ترور و نابودی دست آموزهای انگلستان پرداختند .

محققان و مطلقان وطنپرست اینان را افراد ایران دوست و آزادیخواه ، دشمن استبداد و استعمار میخوانند . باینکه اینان در منتهای تنگی و عسرت می- زیستند ولی از عقاید خود دست برداشتنند بدینکارسترك و خطر ناك دست زدند . در رأس اینان ابوالفتح زاده ، منشی زاده ، مشكوة الممالك . . .

قرار داشتند که از پیشوایان رزمنده در باایمان مشروطیت و بقول اقبال وطنپرستان غیرتمند (۲) بشمار میرفتند که عمری را با اخلاص و ایمان پاك در راه آزادی و برقراری حکومت دموکراسی کوشیدند تا رژیم فردی و استبدادی را بحکومت مردم بر مردم تبدیل کردند .

قاتل آزادگان

چند تن از سردگان معروف بیگانه و همکاران نزدیک وثوق الدوله و

۱- ایران در جنگ جهانی اول صفحه ۸۲

۲- مجله یادگار شماره هفتم دوره سوم صفحه ۵۷ (فروردین ۱۳۲۶)

سفارت انگلیس مانند میرزا اسماعیل و میرزا محسن و منتخب الدوله متین السلطنه که بقول بهرامی (بلاشبهه از بستگان سفارت بودند (۱)) بدست این مردان ضد بیگانه و ضد استعمار و استبداد کشته شدند .

هدف اصلی آنان وثوق الدوله و نصرت الدوله سر دسته عناصر انگلوفیل بود. نخست وزیر و وزیر خارجه قرارداد ننگین ۱۹۱۹ با دقت و شدت از خود محافظت میکردند. بقول فرخ باینکه پشت هر درختی در فرمانیه کاخ نصرت الدوله نگهبانی پنهان بود و همه جا از فیروز محافظت میشد گویا سوء قصدی به پسر فرمانفرما میشود، ولی تیر بخطا می‌رود (۲) و یا بقولی تیر بدستش می‌خورد دستش ناقص میشود (۳) .

نصرت الدوله تمام کوشش خود را صرف کشف این کمیته میکند تا سرانجام سازمان سری آنکلو فوبها را کشف میکند .

آن روزها افکار عمومی و بخصوص اندیشه نسل جوان سخت هواخواه این رژیم‌گان با ایمان بود، بنا بر این کشتن همه آنان در تهران کار دشواری ميبود . منشی زاده و ابوالفتح زاده مبرزترین مردان کمیته محکوم به تبعید می‌شوند آنان را به سمنان می‌فرستند ولی طبق نقشه طرح شده وسیله نصرت الدوله در تهران و بدست مفتی الدوله برادر زنی و رئیس ژاندارمری سمنان آنان را بقصد بردن به دامغان از شهر بیرون میکنند، وقتی دلیجان آنها از شهر دور میشود آنان را از دلیجان پیاده کرده هدف گلوله قرار میدهند. سپس چنین گزارش و وانمود میکنند که چون زندانیان خود را از دلیجان بیرون انداختند و قصد فرار داشتند بعد از اخطارهای مکرر هدف گلوله ژاندارمها قرار گرفتند و کشته شدند .

وزیر عدلیه (عدل مظفر) اینچنین بدون محاکمه و حکم اعدام دونفر از ارزنده ترین مردان آزاده ما را سر بنیست میکند .

ولی چقدر تسلی دهنده و غمزداست وقتی ما بعد از ۱۷ سال (۱۳۱۶ خ.) وارد این شهر شویم می بینیم خونهای ناحق این مردان به شاهزاده امان زندگی بیشتر نمیدهد .

۱- تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران صفحه ۴۹۵

۲- خاطرات سیاسی فرخ صفحه ۱۶

۳- مجله خواندنیها ۳۶۱- ۱۸ اسفند ۱۳۳۶

اسماعیل مرده‌شوی مشغول غسل بدن مسموم قاتل آزادگان و وزیر کابینه مخبر السلطنه است .

عباس میرزا اسکندری دردنباله جلد دوم کتاب آرزوی خود در شماره ۷۳ سال ۱۳۲۱ روزنامه (سیاست) در قسمت دوم ادعای مدعی العموم علیه خیانتکاران کشور در این باره چنین مینویسد :

در زمان وزارت عدلیه نصرت الدوله عده‌ای از افراد کمیته مجازات مجدد توقیف قسمتی اعدام و بعضی محکوم بحبس و برخی از تهران به سمنان تبعید و در آنجا بعنوان آنکه میخواستند فرار نمایند بنا بر دستور مقتول گردیدند. این عمل بنظر مدعی العموم جرم بینی بشمار میرود؛ اگر اشخاص مزبور محکوم بمرگ شده بودند یا اینکه حکم بفلط صادر شده باشد، کشتن آنها به آن اندازه گناه نیست تا اینکه کسی را بحق و یایاطل محکوم بحبس نموده باشند آن وقت در حبس او را بیهانه مقتول سازند .

در همین سخنان نصرت الدوله بدست فرمان مأمورین حکومت مطلق العنان گردیده و اکنون مدعی العموم از قاتلین او بازجوئی مینماید (۱).

کابینه قرارداد

دومین باریکه ایشان به مسند وزارت تکیه میزنند در کابینه دوم وثوق الدوله است در این کابینه مهمترین پست وزارت خارجه به نصرت الدوله واگذار میشود .

بزرگترین کار این کابینه و شاید خیانتکاران اعمال دولتهای دوران قاجار بستن قرارداد ۱۹۱۹ با انگلیسها است .

بقول (بالقور)

در لندن تصمیم گرفته میشود ایران تحت الحمايه انگلستان قرار گیرد تا سد محکمی در برابر کمونیس کشیده شود . چرا گاههای امپریالیسم در شرق از دستبرد حریف خطر ناک و ضد سرمایه داری و ضد استثمار محفوظ بماند .

۱- نظر اسکندری اشاره به تعقیب قاتلین نصرت الدوله بوسیله مظفر فیروزپسرش در زمان وزارت دادگستری مجید آهی و صدور ادعاینامه علیه آنها و محاکمه قاتلان بوسیله علی اکبر موسوی زاده است .

به گفته لانسینگ وزیر امور خارجه امريکا ابتدا بطور پنهانی اين قرارداد با گروه کوچکی از سياستمداران منعقد میگردد (۱) سپس طرح آن در ايران پياده میشود.

اصولا برای شناخت ماهيت اين کابينه کافيست به گزارش نورمان وزير مختار انگلستان به لرد گرزن توجه شود تا معلوم گردد اين کابينه درمیان مردم و رجال ملی چقدر پایگام و نفوذ داشته است .

شماره ۶۱۰ - ۸۰۸ - ۱۲ دسامبر ۱۹۲۰ گزارش نورمان به لرد گرزن .

دولت وثوق ایدوله ماهانه سیصد و پنجاه هزار تومان برای ساکت کردن مخالفان بمصرف میرساند (۲)

برای پی بردن به میزان خیانت اینان نسل جوان و آگاه باید قرارداد ۱۹۱۹ و کتابا بطل الباطل را بخواند تا بداند پسر متمدن السلطنه و فرزند فرمانفرما چه خوابی برای ملت مادیده بودند.

در این نوع مسائل گاهی کار با حسن نیت و قصد خدمت آغاز میگردد کما اینکه سید ولی اله خان نصر و گروهی از سياستمداران ايران اعتقاد داشتند حفظ استقلال ايران بدون ارتباط و اتکاء بانگلستان عملی نیست و در راه این عقیده هرگز آلودگی پولی و مالی هم نداشتند و اگر عاقدان قرارداد ۱۹۱۹ صرفاً روی این نیت و بدون رشوه گیری اینکار را کرده بودند کیفر خیانت آنان سبکتر و قابل توجیه بود.

(خود انگلها اعتراف کردند برای عقد قرارداد یکصد و سی هزار لیره خرج کرده اند از این مبلغ دو بیست هزار تومان وثوق الدوله و صد هزار تومان نصرت الدوله و صد هزار تومان هم به سازمان الدوله وزیر مالیه وقت و مقداری هم بین مدیران جراید موافق و اشخاص متنفذي که طرفدار قرارداد مزبور بودند قسمت شد.

برای تأیید نظر فوق قسمتی از یادداشت های آقای م.م. را از نظر خوانند گرامی میگذرانیم.

بتحقیق پیوست که برای عقد قرارداد ... کابینه وثوق الدوله از سفارت

۱- میراث خوار استعمار صفحه ۵۴۳

۲- مجله دنیا سال ۱۳۴۷-ص ۱۰۴ اسناد وزارت خارجه

انگلیس پولی گرفته بود که بین اعضاء کابینه تقسیم کند مبلغ آنرا يك کروور تومان میگفتند .

ولی آنچه بعدها مسلم شد آنکه از آن پول دویست هزار تومان سهم وثوق الدوله صد هزار تومان سهم فیروز و یکصد هزار تومان سهم اکبر میرزا مسعود صارم الدوله بوده است (۱)

و اما بامداد مینویسد : (نصرت الدوله با گرفتن شصت هزار لیره اعتبار از محل درآمد شرکت نفت انگلیس و ایران در سال ۱۲۹۸ خورشیدی بهمراه احمدشاه باروپارفت (۲)

و بنا باظهار شفاهی ایشان بنکارنده این شصت هزار لیره و رای یکصد و سی هزار لیره است که سه نفر بین خود و گروهی تقسیم کردند .

ابراهیم خواجه نوری با نکوش از قرارداد، اظهار نظر میکنند : (در ایران بجز خود امضاء کنندگان قرارداد ۱۹۱۹ یک نفر نبود که آن پیمان را وطنفروشی و امضا کنندگان آنرا وطنفروش و خائن ندانند (۳)

سر گلارمونت اسکریین قنصل انگلیس در مشهد در یادداشت‌های خود نصرت الدوله و دوبار دیگر عاقد قرارداد را (آنکوفیل حرفه‌یی) معرفی میکند (۴)

(میر و شپتکف) در بررسی ارزنده و محققانه خود این کابینه را آنکوفیل نوشته و معتقد است قرارداد ۱۹۱۹ ایران را تبدیل به (مستعمره واقعی انگلیس) کرد (۵) .

(از کارهای خیانتکارانه این کابینه که بی تردید نصرت الدوله نقش مهمی را در آن اعمال کرده است یکنوع موافقت ظاهری و یا بنا بنطق لرد گرز در مجلس، عوامانگستان موافقت صورتی با تشکیل پلیس جنوب در فارس و کرمان بود... (۶)

۱- تاریخ بیست ساله صفحه ۹۹ و ۹۸

۲- تاریخ رجال ایران جلد ۳ صفحه ۱۱۴

۳- بازیگران عصر طلایی صفحه ۱۹۵

۴- جنگ جهانی اول (روزنامه کیهان ۵۷۹۸)

۵- ایران در جنگ جهانی ص ۷۳-۸۰

۶- تاریخ تحولات سیاسی ایران ص ۲۱۵

مستوفی الممالک آنرا بعنوان (يك قوه متجاوز خارجی) اعلام میدارد مردم ایران بخصوص تهرانیان بنظاهر و مبارزه وسیع وهی گیر دست میزنند ، تهران قیافه يك شهر انقلابی را بخود میگیرد، بطوری که سفارت انگلیس از ترس خشم و نفرت مردم کتباً رسمیت چنین سازمان را تکذیب میکند و یکی دیگر از خیانت های فیروز نقش بر آب میشود.

بخاطر این نوع فعالیت ها ، وزارت خارجه روسیه در این روزها بریتانیا را (حاکم بلامنازع ایران) میخواند (۱)

عبدالله مستوفی نصرت الدوله را (کارچاق کن) قرارداد ۱۹۱۹ و به اصطلاح دلال فروش ایران در بازار لندن میداند و برآستی با کوشش و تلاش همه جانبه نصرت الدوله باید او را عامل و عاقد اصلی قرار داد شمرد ...

بعد از مخالفت ها و تظاهرات سخت همه جانبه ملیون و مردم علیه قرارداد ۱۹۱۹ چون دوره فترت بود دولت تصمیم میگیرد پیش از انتخابات مراحل قانونی و رسمی قرارداد را پایان دهد، شاه و مردم را در برابر عمل انجام شده بگذارد.

بهترین راه برای اینکار قبولاندن قرارداد به احمدشاه بود. روی این نظر از طرف پادشاه انگلستان از احمدشاه دعوتی به عمل می آید و بقول عشقی شاعر شهید ایران لرد گرزن وزیر امور خارجه انگلستان نصرت الدوله «صیغه سیاسی» خود را يك هفته قبل از مسافرت شاه برای ترتیب مهمانی و پذیرائی و تحمیل قرارداد به لندن احضار مینماید. همینکه حضرت والا وارد لندن میشود ، مهمانی رسمی برای او برگزار می گردد .

در همین مهمانیست که لرد گرزن وزیر امور خارجه انگلیس ضمن سخنرانی رسمی درباره نصرت الدوله چنین میگویند. «ما امشب مقدم میهمانان خود را از چندین نظر تبریک و تهنیت میگوئیم اولاً از نقطه نظر مقام شخصی زیرا یکی از شاخصترین سیاسیون مملکت خویش و یکی از دوستان حقیقی و وفادار بریتانیای کبیر و یکی از علاقمندان بقرارداد است که اخیراً بین دولت وی و دولت ما منعقد گشته است...» (ادامه دارد)